



شورای عالی حوزه علمیّه قم
مرکز مدیریت حوزه های علمیّه خواهران
مدرسه علمیّه امام حسن مجتبی (علیه السّلام) شهرستان تهران
پایان نامه سطح دو (کارشناسی)

عنوان

بصیرت شناسی از پیام ها و عبرت های صلح حسنی
در جامعه ی امروز

استاد داور

سرکار خانم نیکوبرش

استاد راهنما

سرکار خانم لطیفی

محقق

زهرا مهدیزاده ایدلو

تابستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شورای عالی حوزه علمیّه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیّه خواهران

مدرسه علمیّه امام حسن مجتبی (علیه السّلام) شهرستان تهران

پایان نامه سطح دو (کارشناسی)

عنوان

بصیرت شناسی از پیام ها و عبرت های صلح حسنی

در جامعه ی امروز

استاد داور

سرکار خانم نیکوبرش

استاد راهنما

سرکار خانم لطیفی

محقق

زهرا مهدیزاده ایدلو

تابستان ۱۳۹۰

چکیده

صلح حسنی، مکتب بصیرت شناسی است چرا که سیاست صلح امام حسن (ع)، زمینه را برای قیام حسینی فراهم نمود و پیام ها و عبرت هایی را برای مردم هر زمانی و از جمله جامعه امروز به ارمغان آورد.

از آن جا که بی بصیرتی برخی از مردم جامعه از گذشته تاکنون همیشه مورد سوء استفاده دشمنان بوده و مشکلات و حوادث ناخوشایندی را به وجود آورده، می توان با تحلیل صحیح رویدادهای تاریخی به خصوص صلح امام حسن (ع) (که مورد اعتراض برخی از افراد قرار گرفته) به بصیرت رسیده و از تکرار ناخوشایند آن جلوگیری و چشم انداز مناسبی را برای آینده پی ریزی نمود. در بررسی رساله ی حاضر که با مراجعه به اسناد و مدارک و کتب مختلف به طور کاربردی توصیف و تحلیل شده است، روشن شد که هر پیامی مایه عبرت بوده و عبرت با بصیرت رابطه متقابل داشته است. عواملی مانند عدم بصیرت و ولایت مداری و ... مردم زمان امام حسن (ع)، منجر به صلح تحمیلی امام شد. صلح حسنی، پیامدهایی هم چون: رسوایی دشمن زمان و بصیرت افزایی مردم و پیام ها و عبرت هایی هم چون لزوم کسب بصیرت و خارج شدن از دایره عوام، پیروزی همیشگی حق بر باطل و ... را به همراه داشت ویژگی این پیام ها در روشنی و قابل فهم بودن آن برای همه مردم در هر زمانی بوده که این نمایان گر بهترین شیوه سیاسی امام است.

مردم جامعه به دو دسته خواص (با بصیرت) و عوام (بی بصیرت) تقسیم می شوند عملکرد خواص در سرنوشت جامعه بسیار تأثیرگذار بوده به گونه ای که عملکرد عوام به تبعیت عملکرد خواص می باشد. از طرفی برخی از خواص طرفدار حق با وجود این که دارای بصیرت بودند ولی به دلیل دلبستگی به دنیا، جبهه ی حق را رها نموده و در جهت خواست دشمن قدم برداشته اند (عملکرد این ها در تراز عملکرد عوام می باشد). مراتب بصیرت، از نوع مراتب تشکیکی بوده و در سه مرحله علم به حق، انتخاب حق و عمل به حق بوده و راه های افزایش بصیرت از منظر قرآن، روایات و نیز مقام معظم رهبری مبارزه با عوام زدگی، وجود ولایت مداری، زهد، دشمن شناسی و ... بیان گردیده است. از مهم ترین ابزارهای مقابله با دشمنان در هر زمان بصیرت و صبر بوده به گونه ای که تقویت آن برای رسیدن به مقام منتظران حقیقی ولی عصر (عج) (بصیرت بالا از ویژگی های مسلم آنان است) شده و زمینه را برای ظهور و قیام حضرت فراهم می نماید.

کلیدواژه ها: پیام، عبرت، صلح، حسن، بصیرت، خواص، عوام، جامعه ی امروز، سیاست و زهد.

فهرست مطالب

مقدمه

.....۸.....

فصل اول: کلیات تحقیق

تعریف و تبیین موضوع

.....۱۱.....

ضرورت و اهداف موضوع

.....۱۱.....

پیشینه موضوع

.....۱۲.....

سؤالات تحقیق

.....۱۲.....

متغیرهای عملیاتی

.....۱۲.....

ساختار و روش تحقیق

.....۱۳.....

فصل دوم: مفهوم شناسی موضوع و مباحث پیرامون آن

معنای لغوی و اصطلاحی:

.....۱۵.....

پیام

.....۱۵.....

عبرت

.....۱۵.....

صلح

.....۱۶.....

حسن

.....۱۸.....

بصیرت

.....۱۸.....

جامعه ی امروز.....

.....۲۱.....

عوام

.....۲۱.....

خواص

.....۲۳.....

اقسام خواص.....

.....۲۴.....

رابطه پیام و عبرت.....

.....۲۴.....

رابطه عبرت و بصیرت.....

.....۲۵.....

ویژگی های یک پیام.....

.....۲۷.....

روشن و شفاف بودن پیام.....

.....۲۷.....

عمومیت پیام.....

.....۲۸.....

نتیجه.....

.....۲۸.....

فصل سوم: تحلیل سیاست صلح حسنی و پیامدهای آن و پاسخ به شبهات

۷۴. پیوست

۷۵. صفحه ۱۲: سند این که، صلح مقابل فساد است:
۷۶. ۹ آیه در قرآن است که صلح در مقابل فساد آمده یک نمونه از آن آیه، ۴۸ سوره نمل است که خداوند می فرماید: «... یفسدون فی الارض و لا یصلحون»
۷۷. سند این که، قتال مقابل سلم است: آیه ۹۰ سوره نساء: «فان اعتزلوکم الیکم اسلم...».
۷۸. سند این که قعود مقابل قیام است: آیه ۱۹۱ آل عمران: «الذین یدکرون الله قیاما و قعوداً...»
۷۹. آیه ۲۴ مائده: «... فاذهب انت و ربک فقاتلا انا ههنا قاعدون».
۸۰. از آن جا که آسیب شناسی مفهوم صلح در حیطه این تحقیق نمی باشد به ذکر همین مقدار بسنده کردیم و غرض از ذکر همین مقدار هم آن بود که بتوانیم در این تحقیق شیوه سیاسی امام را در قسمت مقایسه دوران امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) به طور صحیح به کار برده باشیم.
۸۱. فصل دوم ص ۱۱
۸۲. علل صلح امام حسن (ع) را به چهار صورت علل داخلی، علل خارجی، علل صلح از زبان امام حسن (ع) علل صلح از زبان قرآن می باشد.
۸۳. - علل داخلی صلح امام حسن (ع).
۸۴. الف) حفظ جان شیعیان
۸۵. ب) فقدان جبهه نیرومند و متشکل داخلی
۸۶. مردم عراق و مخصوصاً مردم کوفه، در عصر حضرت امام حسن (ع)، نه آمادگی روحی برای نبرد داشتند و نه تشکل و هماهنگی و اتحاد
۸۷. ج) خستگی مردم از جنگ و عدم اجابت مردم در برابر دعوت امام حسن (ع) به جنگ^{۲۶۸}
۸۸. جنگ جمل و صفین و نهروان و هم چنین جنگ های توأم با تلفاتی که بعد از جریان حکمیت در میان یاران علی (ع) یک نوع خستگی از جنگ و علاقه به صلح و متراکه جنگ، ایجاد کرد زیرا طی پنج سال خلافت امیرمؤمنان، یاران آن حضرت هیچ وقت اسلحه را بر زمین ننهادند مگر به قصد آن که فردا در جنگ دیگری شرکت کنند، از طرف دیگر جنگ آن ها با بیگانگان نبود بلکه در واقع با اقوام و برادران و آشنایان دیروزی آنان بود که در جبهه معاویه مستقر شده بودند.
۸۹. امام حسن (ع)، مردم را به جنگ اهل شام دعوت نمود، مردم خیلی به کندی آماده شدند، هنگامی که خبر حرکت سپاه معاویه به سوی کوفه به امام مجتبی (ع) رسید، دستور داد مردم در مسجد جمع شدند، آن گاه خطبه ای آغاز کرد و پس از اشاره به بسیج نیروهای معاویه، مردم را به جهاد در راه خدا و ایستادگی در مبارزه با پیروان باطل دعوت نمود. پس از پایان خطبه همه سکوت کردند و احدی سخنان آن حضرت را تأیید نکرد. این سند تاریخی نشان می دهد که مردم عراق تا چه حد به سستی و بی حالی گراییده بودند و حاضر نبودند در جنگ شرکت کنند.^{۲۶۹}
۹۰. د) جامعه ای با عناصر متضاد
۹۱. سپاهی که امام حسن (ع) بسیج نمود از گروه های مختلفی تشکیل می شد که عبارت بودند از:
۹۲. ۱- شیعیان و طرفداران امیرمؤمنان.
۹۳. ۲- خوارج که از هر وسیله ای برای جنگ با معاویه استفاده می کردند (شرکت آن ها در صفوف سپاهیان امام (ع) به خاطر دشمنی با معاویه بود، نه دوستی با امام حسن (ع)).
۹۴. ۳- افراد سودطلب و دنیاپرست که به طمع منافع مادی در سپاه امام (ع) داخل شده بودند.

^{۲۶۸}. مهدی پیشوائی، زندگانی امام حسن (ع)، صص ۵۳-۵۴.

^{۲۶۹}. همان، صص ۵۴-۵۶.

۹۵. ۴- افراد دودل و شکاک که فرقی بین امام حسن (ع) و معاویه قائل نبودند.^{۲۷۰}
۹۶. ۵- «بعضهم اصحاب عصیة اتبعوا رؤساء قبائلهم...»^{۲۷۱}؛ گروهی که نه به خاطر دین، بلکه از روی تعصب و صرفاً به پیروی از رؤسای قبایل خود برای جنگ حاضر شده بودند، چنین سپاهی ناهماهنگ به هیچ وجه قابل اعتماد نبود.
۹۷. (و) خیانت عده ای از رؤسای قبایل و افراد وابسته به خاندان های بزرگ کوفه
۹۸. عده ای از رؤسای قبایل و افراد وابسته به خاندان های بزرگ کوفه به امام خیانت کرده، به معاویه نامه ها نوشتند و تأیید و حمایت خود را از حکومت وی ابراز نمودند و مخفیانه او را برای حرکت به سوی عراق تشویق کردند و تضمین نمودند که به محض نزدیک شدن وی، امام حسن (ع) را تسلیم او نمایند یا ترور کنند. معاویه عین نامه ها را برای امام مجتبی (ع) فرستاد و پیغام داد که چگونه به اتکای چنین افرادی حاضر به جنگ با وی شده است.
۹۹. (هـ) توطئه های خائنانه معاویه و فرماندهان خائن ارتش امام حسن (ع)
۱۰۰. امام حسن (ع) پس از آن که کوفه را به قصد جنگ با معاویه ترک گفت عیدالله بن عباس را با دوازده هزار نفر سپاه گسیل داشت و قیس بن سعد و سعد بن قیس را که هر دو از یاران بزرگ آن حضرت بودند به عنوان مشاور و جانشین وی تعیین نمود ولی متأسفانه طولی نکشید که امام گزارش رسید که عیدالله با دریافت یک میلیون درهم از معاویه شبانه همراه هشت هزار نفر به وی پیوسته است خیانت این فرمانده باعث تضعیف روحیه ی سپاه و تزلزل موقعیت نظامی امام شد.^{۲۷۲}
۱۰۱. زهری گوید: «عن الزهری قال: لما كتب عبدالله بن عباس حسين عليم ما يريد الحسن من معاوية من طلب الأمان، و يشترط لنفسه على الأموال قد أصاب...؛ وقتی عیدالله بن عباس دانست که حسن می خواهد از معاویه برای خویش امان بگیرد، او نیز به معاویه نوشت و امان خواست به شرط آن که اموالی را بگیرد و نگه دارد، معاویه این را تعهد کرد و ابن عامر را با سپاهی فراوان سوی او فرستاد که عیدالله شبانه پیش آن ها رفت و سپاه خویش را رها کرد»^{۲۷۳}.
۱۰۲. معاویه تنها به خریدن عیدالله اکتفا نکرد، بلکه به وسیله جاسوسان و مزدوران خود میان ارتش امام مجتبی (ع) اختلاف می انداخت که قیس بن سعد (فرمانده سپاه) با معاویه سازش کرده و در میان سپاه قیس نیز شایع می ساخت که حسن بن علی با معاویه صلح کرده است؛ کار به جایی رسید که معاویه چند نفر از افراد خوش ظاهر را که مورد اعتماد مردم بودند به حضور امام (ع) فرستاد این عده در اردوگاه مدائن با حضرت امام حسن (ع) ملاقات کردند و در میان مردم صدا زدند، خداوند به وسیله فرزند پیامبر (ص) فتنه را خواباند و آتش جنگ را خاموش ساخت لشکر عراق شکست خورد و قیس بن سعد به دست سپاه شام کشته شد. حسن بن علی (ع) با معاویه صلح کرد و خون مردم را حفظ نمود، مردم که به سخنان آن ها اعتماد داشتند درصدد تحقیق بر نیامدند و سخنان آن ها را باور نموده، از غلبه امام بر معاویه مأیوس شدند و بر ضد امام (ع) شورش کردند و درصدد قتل امام به خیمه حمله کردند و هر چه یافتند برداشتند^{۲۷۴} و او را آزار دادند حتی زیرانداز پای حضرت کشیدند^{۲۷۵}؛ در این وقت جماعتی از خاصان شیعه

^{۲۷۰}. همان، ۵۷-۵۹.

^{۲۷۱}. محمد بن محمد، مفید بن النعمان، الارشاد، قم: سعید بن جبیر، ۱۴۲۸هـ. ق، ص ۲۷۵.

^{۲۷۲}. مهدی پیشوایی، زندگانی امام حسن مجتبی (ع)، صص ۶۶-۶۹.

^{۲۷۳}. محمد بن جریر طبری، تاریخ الطبری، ج ۵، بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۹هـ. ق، ص ۱۱۱.

^{۲۷۴}. محمد تقی لسان الملک، سپهر، ناسخ التواریخ حضرت امام حسن مجتبی (ع)، ج ۱، چ ۴، تهران: کتابچی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۱.

^{۲۷۵}. محمد باقر بهبهانی، کریم اهل بیت (ع)، ترجمه ابراهیم سلطانی نسب، ج ۲، تهران: صیام، ۱۳۸۱، ص ۸۴.

حاضر شدند و دور امام را گرفتند و مانع زیان دشمن شدند و چون خواستند امام را از تاریکی سباباط (مدائن) عبور دهند شخصی که در تعقیب آن حضرت بود با خنجر مسموم حمله کرد و ضربتی به امام زد.^{۲۷۶}

۱۰۳. البته جای تعجب نبود از چنین یارانی که از گروه های مختلف تشکیل یافته بودند [چنین ابلهانه و بدون بصیرت داشته باشند] دل های آنان آکنده از عشق به دنیا و دلبستگی به مظاهر مادی بود. فاصله ی آن ها از فرهنگ دینی و الهی تا اندازه ای عمیق شده بود که معاویه به اسانی توانست با تهدید و تطمیع در مدت کوتاهی طاراف امام از یارانش خالی کرده و به سوی خود جلب نماید^{۲۷۷} و بر اوضاع مسلط شود. امام حسن (ع) هم که نیروی نظامی خود را از دست داده بود مجبور به پذیرش پیشنهاد صلح گردید.

۱۰۴. علل خارجی صلح امام حسن (ع)

۱۰۵. امپراتوری روم شرقی که ضربت های سختی از اسلام خورده بود همواره درصدد فرصت مناسبی بود تا ضربت مؤثر و تلافی جویانه ای بر پیکر اسلام وارد کند. گزارش صف آرایی سپاه امام حسن (ع) و معاویه در برابر یکدیگر به سران روم شرقی رسید، زمامداران روم فکر کردند که بهترین فرصت ممکن، برای تحقق بخشیدن به هدف های خود را به دست آوردند، لذا با سپاهی عظیم عازم حمله به کشور اسلامی شدند تا انتقام خود را بگیرند. آیا در چنین شرایطی، شخصیتی مثل امام حسن (ع) که رسالت حفظ جان مسلمانان و اسلام را به عهده داشت جز این راهی داشت که با قبول صلح این خطر بزرگ را از جهان اسلام دفع کند ولو آن که به قیمت فشار روحی و سرزنش های دوستان کوتاه بین تمام شود.

۱۰۶. اگر جنگ میان نیروهای امام حسن (ع) و معاویه در می گرفت آن که پیروز می شد امپراتور روم شرقی بود نه حسن بن علی (ع) و نه معاویه. ولی این خطر با تدبیر و دوراندیشی و گذشت امام (ع) بر طرف شد.^{۲۷۸} امام باقر (ع) به شخصی که نسبت به صلح امام حسن (ع) خرده می گرفت فرمود: «اگر امام حسن (ع) این کار را نمی کرد خطر بزرگ تری به دنبال داشت»^{۲۷۹} و عاقلانه ترین کار که مصلحت بزرگ تری و برتر را تأمین می کرد همان سیاست صلح با عزت بود.

۱۰۷. - علل صلح از زبان امام حسن (ع)

۱۰۸. الف) عدم همکاری یاران

۱۰۹. امام فرمودند: «اگر یارانی داشتم که در جنگ با دشمنان خدا، با من همکاری می کردند هرگز خلافت را به معاویه واگذار نمی کردم، زیرا خلافت بر بنی امیه حرام است»^{۲۸۰}.

۱۱۰. ب) عدم قدرت یاران

۱۱۱. امام صادق (ع): «حسن بن علی (ع) پس از آن که به جانش سوء قصد شد و پیروانش از در ناسازگاری با وی در آمدند، کار را به معاویه وا گذاشت. آن گاه شیعیانش به آن حضرت چنین سلام کردند: «السلام علیک یا مذل المؤمنین» حضرت فرمود: «من خوار کننده ی مؤمنان نیستم، بلکه عزت بخش مؤمنانم. وقتی دیدم شما در برابر دشمن قدرتی ندارید. کار را به او وا گذاشتا من و شما در یمان آنان باشیم»^{۲۸۱}.

^{۲۷۶}. صدوق، علل الشرایع، ج ۱، همان، ص ۷۱۶.

^{۲۷۷}. محمد ملک زاده، سیره سیاسی معصومان (ع) در عصر حاکمیت، ج ۳، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۶، ص ۱۳۲.

^{۲۷۸}. مهدی پیشوایی، زندگانی امام حسن مجتبی (ع)، صص ۵۱-۵۳.

^{۲۷۹}. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱.

^{۲۸۰}. مهدی پیشوایی، زندگانی امام حسن مجتبی (ع)، ص ۷۴.

^{۲۸۱}. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۵، تهران: کتابچی، ۱۳۸۴، ص ۲۸۷.

۱۱۲. ج) حفظ جان مسلمانان و بقاء شیعیان
۱۱۳. پس از شهادت علی (ع) و صلح اما حسن (ع)، معاویه برای تحکیم موقعیت خود برای آن که اونمود کند امام حسن مجتبی (ع) مطیع و پیرو اوست به آن حضرت که راه مدینه رادر پیش گرفته بود پیامی فرستاد که شورش حوثره را (یکی از سران خوارج که بر ضد معاویه قیام کرده بود) سرکوب کند و سپس به سفر خود ادامه دهد. امام (ع) به پیام او پاسخ داد که من برای حفظ جان مسلمانان از جنگ با تو خودداری کردم، این امر موجب نمی شود که از جانب تو با دیگران بجنگم. اگر قرار به جنگ باشد قبل از هر کس باید با تو بجنگم، مبارزه با تو از جنگ با خوارج لازم تر است.^{۲۸۲}
۱۱۴. د) قابل اعتماد نبودن یاران امام
۱۱۵. امام حسن (ع) در پاسخ زید بن وهب مهبی فرمود: «به خدا سوگند که من معاویه را از این مردم (که مرا خنجر زدند) بهتر می دانم زیرا آنان خود را شیعه ی من می دانند، ولی نقشه شوم قتل مرا می کشند، اثاث و مال را غارت می کنند. به خدا سوگند اگر به جنگ با معاویه پردازم همین مردم مرا دستگیر نموده، گردن زنند یا پس از اسارت آزاد کنند و همان ننگی را که ما در فتح مکه بر آنان نهادیم (که آنان آزاد شده ما بودند) بر ما بنهند و تا آخر روزگار خاندان ما نتوانند سربلند کنند»^{۲۸۳} بنابراین اگر منصفانه بنگریم، صلح امام حسن (ع) عمل عزتمندانه و مدبرانه ای بوده است که تنها فرد حکیمی چون امام مجتبی (ع) از عهده ی آن بر آمده است که در پی آن خون دل ها را متحمل شده و مورد تهمت ها قرار گرفته، اما حلیم و بردبار برای خدا صبر می نماید.
۱۱۶. - علل صلح از زبان قرآن
۱۱۷. «ان جنحوا للسلم فان حسبک الله؛ اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل نشان دادند تو نیز به صلح میل کن و بر خدا توکل نما که او شنوا و بیناست و اگر آنان در اندیشه ی فریب تو بودند، خاطر جمع دار که خداوند شر آن ها را از تو کفایت می کند»^{۲۸۴}.
۱۱۸. - مواد صلح نامه
۱۱۹. عومالی که در بحث های پیش گفته شد باعث شد تا امام صلح را بپذیرد. معاویه نماینده خود عبدالله بن عمار را با نامه ی سفید امضاء نزد آن حضرت فرستاد که امام هر شرطی دارد قید کند.^{۲۸۵} شرط های صلح نامه ای که امام علی (ع) بر معاویه املاء کرد و آن ها را معیار سلامت حکومت دانست، خود گواه آن است که آن حضرت در اندیشه طرح نقشه ای برای رویارویی ب اوضاع فاسد بوده است.^{۲۸۶}
۱۲۰. موارد قرارداد ذیل می باشد:
۱۲۱. ۱- حکومت به معاویه واگذار می شود بدین شرط که به کتاب خدا و سنت پیغمبر (ص) و سیره ی خلفای پیشین عمل کند.
۱۲۲. ۲- پس از معاویه، حکومت متعلق به حسن (ع) است و اگر برای او حادثه ای پیش آید متعلق به حسین (ع).

^{۲۸۲} عزالدین ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت - لبنان: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۳۰ هـ. ق، ص ۴۴۹.

^{۲۸۳} محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۰.

^{۲۸۴} انفال/ ۶۱-۶۲.

^{۲۸۵} حسین استاد ولی، حلم و حماسه، تهران: شهر، ۱۳۸۶، ص ۹۶.

^{۲۸۶} محمد تقی مدرس، زندگانی حضرت امام حسن مجتبی (ع)، ج ۲، تهران: بقیع، ۱۳۷۷، صص ۴۹-۵۰.

۱۲۳. ۳- معاویه در شام لعن و ناسزای امیرالمؤمنین را رسم کرده بود این را در متن صلح نامه قید کرد که باید عمل زشت موقوف باشد «معاویه باید ناسزا به امیرالمؤمنین و لعنت بر او را در نمازها ترک کند و علی را جز به نیکی یاد ننماید».
۱۲۴. ۴- بیت المال کوفه که موجودی آن پنج میلیون درهم است مستثنی است و «تسلیم حکومت» شامل آن نمی شود و معاویه باید هر سالی دو میلیون درهم برای امام حسن (ع) بفرستد.
۱۲۵. ۵- مردم در هر گوشه از زمین های خدا (شام یا عراق یا یمن و یا حجاز) باید در امن و امان باشند و سیاهپوست و سرخپوست از امنیت برخوردار باشند و معاویه باید لغزش های آنان را نادیده بگیرد.^{۲۸۷}
۱۲۶. در شرط اول حکومت را به معاویه وا می گذارد و این چنین از حق شخصی خود می گذرد که اگر جنگ صرفاً بر سر حکومت و غاصب متعهد است که امور مسلمانان را در مجرای صحیح اداره کند، امام حاضر است کناره بگیرد.
۱۲۷. در شرط دوم بیان می دارد که صلح موقت و محدود است به زمان حیات معاویه نه برای همیشه.
۱۲۸. در شرط سوم دست معاویه را رو می کند و دروغ او را آشکار می سازد، زیرا اگر لعن علی جایز است چرا متعهد می شود که دست از آن بردارد و اگر جایز نیست چرا تا حال لعن می کرده است؟ البته تمام شروط از جمله همین شرط را زیر پا گذاشت و لعن علی تا سال ۱۰۰ هـ ادامه داشت.
۱۲۹. در شرط چهارم پشتوانه اقتصادی و تأمین نیاز شیعیان و بنی هاشم نهفته است تا آنان در اثر نیاز مالی به سوی معاویه جذب نشوند و یا در مبارزه سست نگردند.
۱۳۰. در شرط پنجم تأمین جانی و آسایش روانی شیعیان علی (ع) که در جنگ صفین بر ضد معاویه جنگیده بودند و معاویه کینه هایی از آنان به دل داشت، گنجانده شده تا پس از رسیدن به قدرت از آنان انتقام نکشد، گر چه دقیقاً ضد آن عمل کرد.^{۲۸۸}

^{۲۸۷}. مرتضی مطهری، همان، صص ۸۷-۸۹.

^{۲۸۸}. حسین استاد ولی، همان، صص ۹۸-۹۹.